تفسیر اغرب و اوحش از اختزال السنة

یکی از آقایان فرمودند «قول اغرب» را هم که مرحوم مجلسی فرمودند، توضیح بدهیم. یک اشاره‌ای میکنم.

> **ثم إن بعض المتصدين لحل هذا الخبر سلك مسلكا أوحش وأغرب حيث قال : السنة في العرف تطلق على الشمسية التي هي عبارة عن عود الشمس بحركتها الخاصة لها إلى الوضع الذي فرض أولا كأول الحمل مثلا الذي يتساوى عند حلولها فيه زمان الليل والنهار تقريبا بعد أن كان الليل أطول في معظم المعمورة ، وعلى القمرية التي هي عبارة عن عود القمر إلى وضعه المفروض أولا مع الشمس في سمت الحركة اثنتا عشرة مرة كل مرة تسمى شهرا ، وقد علم بالتجربة والرصد أن زمان الاولى يكون ثلاثمأة وخمسة وستين يوما وكسرا من يوم ، وزمان الثانية ثلاثمأة وأربعة وخمسين يوما وكسرا ، ولو فرض فارض كون الشمس أسرع حركة بحيث تتم دوراتها في ثلاثمأة وستين بالزيادة ونقصان والقمر بحاله يكون مقدار السنة القمرية أيضا ثلاثمأة وستين يوما كل شهر ثلاثون يوما كما لا يخفى على المحاسب ، وحينئذ لم يكن اختلاف بين السنة القمرية والشمسية ، لكن قد جعل الله سبحانه زمان الشمسية أكثر من ذلك بقريب من سنة أيام وزمان القمرية أنقص بنحو ذلك لمصالح تعود إلى مخلوقاته في السماوات و الارضين ينتظم بها النظام الاكمل الذي لا يعلم كنهه إلا هو ، فلعل هذا هو المراد من جعل السنة ثلاثمأة وستين وحجز الستة الايام عنها ، بل لا ينقبض العقل من أن يكون المراد بخلق السماوات والارض في ستة أيام ذلك ، أعني على اختلاف نظام لحركة السماويات خصوصا النيرين اللذين قدرت بهما الشهور والاعوام والليالي والايام ، وغير ذلك من مصالح الانام ، قدر ذلك الاختلاف ستة أيام في كل سنة فليتفكر جدا في ذلك « انتهى ».**
>
> **[1]**

«ثم إن بعض المتصدين لحل هذا الخبر سلك مسلكا أوحش وأغرب...»؛ مرحوم مجلسی به ایشان چهار جواب میدهند. میگویند: «و اورد علیه بوجوه: الاول... الثانی... الثالث و الرابع». در این قول غریب اختزال السنة را به این صورت معنا کرده؛ ایشان گفته است که خلق آسمان و زمین در شش روز و کم شدن آن از سال را به این صورت معنا میکنیم؛ نه اینکه آسمان و زمین در شش روز خلق شده. بلکه به این معنا است که حرکت خورشید کندتر از حرکت قمر است. و لذا در یک سال

قمری ماه در سیصد و پنجاه و چهار روز میرود. در یک سال شمسی شمس در سیصد و شصت و پنج روز میرود. خب در نصف ما به التفاوت اگر شمس از اول سرعتش را بیشتر کند، در این وسط به هم میرسند.

مثالی که عرض میکنم؛ اگر منطبق باشد و درست باشد، این است: دو ماشین در یک جاده حرکت کردهاند و هر دو در یک ساعت حرکت کردهاند. بین این دو ماشین ده کیلومتر فاصله است. یکی از ماشینها ده کیلومتر جلوتر رفته و یک ماشین ده کیلومتر عقب تر رفته است. ای ایزده کیلومتر که خورشید و ماه به این صورت اختلاف دارند. الآن یک سال شده، در یک سالی که خورشید رفته، در همان سال قمر ایزده روز جلوتر است. عددها را رند فرض بگیریم تا روشن شود. اگر این دو ماشینی که در یک ساعت رفتهاند و در نهایت یکی از دیگری ده کیلومتر بیشتر رفته، ماشینی که عقب تر هست و ده کیلوتر کمتر رفته، اگر پنج کیلومتر به سرعتش اضافه کنیم، تفاوت این دو چقدر میشود؟ اگر ماشینی که عقب تر است، پنج کیلومتر تندتر برود، معنایش این است که در پنج کیلومتر قبل از آن به هم میرسند. درست است اگر آن که تندتر میرود پنج کیلومتر جلو میرود. اما قبل از اینکه او به ایزده فرسخی خودش برسد، در وسط راه و در پنج کیلومتر برابر میشوند. فقط در آخر کار آن پنج کیلومتر عقب تر است. ایشان اینطور مثال را فرموده که حال مرحوم مجلسی شروع به اشکال کردن میکنند.

خب حال حرف ایشان چیست؟ خدای متعال بهخاطر حکمتی که در نظام خلقت بوده، سرعت خورشید را به اندازهای قرار داده که بین این دو سال ایزده روز تفاوت میشود. اگر فرض بگیریم سرعت خورشید تندتر شود، بهنحویکه به جای اینکه سیصد و شصت و پنج روز برود، زودتر برود و زودتر برسد. این فاصله سیصد و شصت و پنج هم نشود با همین اندازه هم از حرکت ایزده روزه قمر کم میشود و هر دوتای آنها سر سیصد و شصت روز برابر میشوند. چون خورشید واشتر میرود، پنج روز آن عقب تر است و پنج روز ما جلوتر هستیم. در مجموع پنج روز خورشید عقب است، پنج-شش روز هم ماه جلوتر است که ایزده روز میشود. اگر خورشید مقداری جلوتر برود سر سیصد و شصت روز به هم میرسند. نه دیگر سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز میشود. و نه سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز میشود.

خب حال چه شد؟ ایشان میفرمایند کل این دستگاه آفرینش در این ما به التفاوت شش روز دارد اداره میشود. یعنی اگر به سرعت خورشید اضافه میشد کل سال سیصد و شصت روز میشد و این نظمی که باید طبق این حکمت باشد، نبود. پس این نظمی که الآن هست، کیان و نظام و مقوامش شش روز است. شش روز یعنی ما به التفاوت سرعت خورشید و قمر. لذا مرحوم مجلسی میفرمایند: «سلک مسلکا اوحش و اغرب». خب این چطور معنا کردنی است که چون سرعت خورشید مقداری کمتر است، بهنحویکه ایزده روز فاصله میشود، اگر سرعتش زیادتر شود این شش روز جبران میشود و هر دو سال قمری و شمسی سیصد و شصت روز میشود و دیگر این نظم حکمیانه بالفعل که مقصود حکیم است، برقرار نمیشود، حال ما بگوییم خلقت آسمانها و زمین در این شش روز است! یعنی ما به التفاوتی که خورشید اگر تندتر میرفت میتوانست به هم برسند.

البته خود ایشان شروع به اشکال کردن میکنند. خودتان اشکالات ایشان را مراجعه کنید. یکی این است که این درست در وقتی باید باشد که آن چه که خورشید زیادتر است، با ماه برابرباشند بعد بگوییم نصفش اینطور میشود. بعد هم ادامه اشکالات را دارند.

---

[1] بحار الأنوار - ط مؤسسةالوفاء نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۵۷ صفحه : ۲۲۵

بازبینی #1
ایجاد شده 6 آوریل 2026 14:16:40 توسط ... .

به روزرسانی شده 6 آوریل 2026 15:38:53 توسط ... .